

مرجان حسینی محمدآباد

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

دکتر علی چهکندی نژاد^۱

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

بررسی فقهی حقوقی سقط جنین ناشی از زنا

چکیده

پدیده سقط جنین، از ادوار دور، تاکنون همواره از چالش‌های مهم جوامع بشری بوده است. سلب حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، آزادی سقط جنین را با دشواری‌های جدی مواجه نموده است. نظر به اهمیت و حرمت دماء در حقوق اسلام این حق مورد حمایت قانون هم قرار گرفته است. اما نکته چالش برانگیز در این امر تقابل این حق بشری با حقوق زنان می‌باشد که خصوصاً در سقط جنین ناشی از زنا مورد بحث جدی است مانند مواردی همچون تجاوز به عنف همراه با بارداری یا حفظ جان مادر در بارداری پرخطر. در این تحقیق سعی شده است، شمایی کلی از سقط جنین بطور عام ترسیم گردیده و به بررسی فقهی مسأله سقط جنین ناشی از زنا از دیدگاه اهل تشیع و تسنن و واکاوی حقوقی از منظر قانونگذار ایران پرداخته شود. همچنین ارکان سقط جنین ناشی از زنا از جهت شکل‌گیری این جرم، انواع مجازات در قانون آمده است و در نتیجه مطالعات به عمل آمده معلوم گردید که سقط جنین متکون از زنا همانند سقط جنین مشروع دارای کیفر و مجازات دیه و تعزیر می‌باشد

واژگان کلیدی: سقط جنین، سقط جنین ناشی از زنا، مجازات سقط جنین، شروع به جرم سقط جنین ناشی از زنا.

^۱. chahkandi@iaubir.ac.ir

مقدمه

یکی از چالش‌های اجتماعی، حقوقی و دینی معاصر بحث سقط جنین است که طی ادوار تاریخ در اکثر جوامع گسترش هم یافته است. ادیان سقط جنین را گناه و قتل عمد می‌دانند (آقایی، ۱۳۸۱: ۹۸) (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۹۰) و قوانین نیز اصولاً به همین ترتیب مانند ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی، تدوین گردیده‌اند و استثنائاً مجوز سقط را در مواردی خاص داده‌اند. با این وجود هنوز موارد زیادی از بارداری‌های ناخواسته وجود دارد که به دلایل متعدد در قانون، مورد توجه قرار گرفته نشده‌است. از جمله این موارد سقط جنین ناشی از زنا می‌باشد که در این تحقیق بر آن هستیم علل خلأ موجود در قانون و نظرات فقها را مورد بحث قرار دهیم. زیرا با توجه به تکرر موارد ابتلایی در این سقطها، لازم است قانونگذار ما هم مانند کشورهای همچون اتریش، کانادا، فرانسه و ... با نگرشی نو به مسأله‌ی سقط جنین، زنان بسیاری را که قربانی جرائم جنسی شده‌اند، تحت حمایت خود قرار دهد (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۰).

در زمینه سقط جنین ناشی از نکاح مشروع مقالات متعددی به زیور طبع آراسته شده است اما در باب موضوع این مقاله که حول محور سقط جنین ناشی از زنا است، مقاله یا کتاب معتبری که اشاره‌ی صریح به این موضوع داشته باشد، وجود ندارد و مقالات مرتبط با شباهت‌هایی جزئی بصورت نادر وجود دارند. مهم‌ترین پرسش این نوشتار این است که تفاوت دیدگاه فقها و قانونگذار در مورد سقط جنین ناشی از زنا چیست؟ فرضیه‌ای که در این خصوص مطرح است اشاره به این مطلب دارد که دیدگاه قانونگذار برخلاف فقهای متأخر مترقی نیست. در این تحقیق برای پاسخ به این سؤال ابتدا به مفاهیم مهم پرداخته می‌شود و سپس دیدگاه فقها، حقوقدانان و قانونگذار مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- بررسی مفاهیم و پیشینه

شناخت جنین به عنوان مرحله ابتدایی زندگی انسان از حیث مفاهیم، در این مقاله مسیر تحلیل و بررسی مسأله سقط جنین و چگونگی جرم‌انگاری آن هموار می‌کند.

۱-۱ واژه‌شناسی و تحلیل مفهوم «جنین»^۱ و «سقط جنین»^۲ از نظر لغوی و اصطلاحی

واژه «جنین» مأخوذ از «جن» (احمدصدر؛ خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۴۹۴/۵) و از ریشه «اجتنان» به معنای پوشش است. در لغت به «هر چیز پوشیده و مستور»، «بچه تا زمانی که در شکم مادر است» و «بچه‌ای که زهدان مادر آن را پوشانیده است و از دید پنهان است»، جنین اطلاق می‌شود (عمید، ۱۳۸۸: ۴۷۳).

جنین در قرآن به معنای لغوی آن آمده است:

«و إذ أنتم أجنّة فی بطون أمّهاتکم»^۳ «و هنگامی که در رحم مادرها جنین بودید.»

اما فقهای امامیه مبحث خاصی به جنین و احکام آن اختصاص نداده‌اند و تعریف دقیقی از جنین ارائه نکرده‌اند. در قوانین ایران نیز به همین ترتیب تعریف خاصی از جنین ارائه نشده است و در حالی که از لفظ حمل نیز استفاده شده است، تنها در مواد مرتبط مانند ماده‌ی ماده ۹۵۷ قانون مدنی، شروط تمتع جنین از حقوقی چون ارث، وصیت، هبه و ... برشمرده می‌شود و قانون مجازات دیه شش‌گانه‌ای را در مقابل جرم سقط جنین بیان می‌دارد. در تعریف حقوقی جنین آمده است:

«آغاز حمل از زمان انعقاد نطفه است و پایان آن لحظه‌ای قبل از ولادت است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۲)

سقط در لغت، به معنای «شبّیم که به برف ماند» و «بچه ناتمام افتاده» گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۷: ۶۱۳). از نظر پزشکی به زمانی سقط جنین گفته می‌شود که «بچه در بیرون از رحم مادر قابلیت حیات نداشته‌باشد، و این مدت کمتر از ۲۰ هفته زمان و وزن کمتر از ۵۰۰ گرم است» بنابراین میان زایمان زودرس و سقط جنین تفاوت است چراکه در زایمان زودرس جنین دارای قابلیت حیات است. از نظر حقوقی در تعریف از سقط جنین می‌توان گفت: «سقط جنین از نظر حقوقی به معنای هرگونه اعمال مجرمانه‌ای است که موجب

^۱ Fetus or Foetus

^۲ Abortion

توقف دوران تکاملی جنینی و اخراج قبل از موعد طبیعی خواهد شد.» (عباسی، ۱۳۸۸: ۷۷) در انتها با توجه به عدم اتفاق نظر حقوقدانان، تعریفی که بهترین مفهوم را می‌رساند به این ترتیب ارائه شده است، «سقط جنین یا سقط حمل عبارتست از اخراج عمدی قبل از موعد جنین یا حمل به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد و یا منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری.» (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

۱-۲ پیشینه سقط جنین

براساس شواهد تاریخی در کشورهای مصر، چین و روم هرچند برای جنین احترام قائل بودند اما نمونه‌های سقط جنین از قرن‌ها پیش وجود داشته است. در روم اگر زنی مرتکب سقط جنین می‌شد، رییس خانواده حق داشت، وی را تنبیه کند. بعدها افکار فلاسفه یونان در روم نیز باعث مجاز شدن سقط جنین با شرایطی شد اما با این حال باز هم در یونان و رم مجازات‌های سختی در این باره اعمال می‌شده است (حکمت، ۱۳۶۶: ۲۷). سرانجام در قرن نوزدهم سقط جنین هم در آمریکا و هم در بریتانیا ممنوع شد (حسین پور ساروکلاهی، ۱۳۹۳: ۱۹).

از دهه ۱۹۵۰، غیرقابل اجتناب بودن پدیده سقط جنین و عواقب و تبعات ناگوار ممنوعیت مطلق آن، باعث گردید کشورهای زیادی در قوانین ماهوی خود نسبت به محدودیت‌های شدید تجدیدنظر نمایند و شرایط قانونمند و سهل‌تری را برای سقط جنین جایگزین کنند. در نهایت کشورها براساس این دیدگاه به مقوله سقط جنین توسط پژوهشگران به سه دسته تقسیم گردیده‌اند:

۱. کشورهایی که به صرف تقاضای زن باردار سقط جنین صورت می‌پذیرد. اتریش، کانادا، فرانسه، نروژ، هلند، سنگاپور، سوئد و ویتنام از جمله این کشورها هستند که ۴۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. کشورهایی که سقط جنین صرفاً در صورتی انجام می‌شود که جان زن در خطر باشد. ۲۵ درصد کشورها از جمله استرالیا از جمله این دسته‌اند.

۳. کشورهایی که سقط جنین ممنوع و تحت محدودیت‌های شدید قانونی است. ۳۵ درصد باقیمانده در اختیار این گروه است که ایران از جمله آن‌هاست (حسینی، پیشین: همان‌جا).

۲- دیدگاه‌های حاکم بر سقط جنین ناشی از زنا

در حالی که امروزه قوانین کیفری غالب کشورها با در نظر گرفتن کرامت انسانی که مورد تاکید دین اسلام نیز می‌باشد، به کاهش مجازات‌ها و حمایت‌های بیشتر از بزه دیده و بزه‌کار می‌اندیشند اما قانونگذار ایرانی همچنان در تضاد سنت^۱ و مدرنیته^۲ گرفتار است. به عنوان مثال امکان سقط درمانی ناشی از زنا و تجاوز به عنف، در ماده واحده قانون سقط درمانی^۳، تجویز نشده‌است و در واقع این مقرر، تنها شامل جنین‌های ناقص‌الخلقه و در مواردی که جان مادر به خطر می‌افتد، می‌شود و حاملگی‌های ناخواسته، ناشی از تجاوز جنسی محارم و غیر آن و روسپیگری همچنان در گرهی سردرگم بسر می‌برد. برای تبیین بیشتر مسئله در این قسمت، به نحو موجز و مختصر به دیدگاه‌های موجود اشاره می‌گردد:

۲-۱ دیدگاه فقها

علی‌رغم اینکه بسیاری از فقهای معاصر شیعه قائل به جواز سقط جنین ناشی از زنا و تجاوز به عنف، قبل از ولوج روح در جنین هستند، قوانین موضوعه ایران بدون پرداختن به این مسئله با سکوت خود، اثر درمانی و عسر و حرج ناشی از آن را نادیده گرفته است. در ادامه به این دیدگاه‌ها اشاره می‌نماییم:

۲-۱-۱ دیدگاه فقهای امامیه

بطور کلی فقهای شیعه و مراجع عظام تقلید در زمینه اسقاط جنین در مورد زنی که تحت هتک ناموس یا تجاوز به عنف قرار گرفته یا حتی در اثر زنا با رضایت باردار شده است،

۱ «آداب، سنت‌ها، شعایر، مراسم، مناسک» دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، تهران.

۲ «طرفداری از شیوه‌ها و چیزهای تازه و بدیع و مد روز و جدید، و دلبستگی به راه و رسم‌های تازه باب شده.» دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، تهران.

تفاوتی قائل نشده‌اند و معتقدند اسقاط جنین، جایز نیست، مگر با شرایطی. در اینجا به دو نظر بصورت نمونه اشاره می‌گردد:

۱. آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ استفتایی در مورد جواز سقط حمل از زنا معتقد بودند: «بلی، اگر روح در آن دمیده نشده (قبل از چهار ماهگی) و مراحل اولیه را طی می‌کند، در صورتی که دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکند مورد اذیت و آزار غیر قابل تحمل قرار می‌گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می‌شود، در چنین فرضی بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد.» (فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۷: ۵۵۰)

۲. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «حاملگی در اثر تجاوز جنسی قطعاً فشار روحی زیادی به مادر تحمیل می‌کند. به طوری که هم در دوران حمل و هم بعد از تولد کودک نامشروع، مادر دچار عسر و حرج شدید می‌شود. لذا بعید نیست در این مورد بتوان قائل به جواز سقط جنین شد.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۷۷)

اهم شرایط پیش گفته بدین شرح است که فقهای مورد نظر معتقد به یکی یا چند تا از آن‌ها می‌باشند^۱: (عباسی؛ احمدی؛ فکور، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۳۲)

۱. قبل از چهار ماهگی یا تا قبل از دمیده شدن روح
۲. برای جلوگیری از تضييع آبرو و حیثیت
۳. به جهت رفع حرج یا حرج شدید
۴. با فرض توبه
۵. رعایت اهم در مقابل مهم
۶. ضرر مهم جسمی و روحی برای مادر
۷. سخت بودن بارداری نامشروع برای دختر
۸. لطمه به آبروی خانوادگی دختر

لازم به ذکر است فتاوی فقها در زمینه حرمت سقط جنین نامشروع بدلایلی همچون آیه ۱۵ سوره اسراء که می‌فرماید «هیچ کس گناه دیگری را به دوش نگیرد» مستند است، پس

۱ مجموعه نظرات آیات عظام یوسف صانعی، محمد رحمتی، مکارم شیرازی، سیستانی و مظاهری

هر کس مسؤول گناه خویش است؛ لذا جایز نیست حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار دیگری کرد.

۲-۱-۲ دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل تسنن نیز سقط جنین نامشروع را جایز نمی‌دانند مگر بعضی از فقهای شافعیه که جایز بودن سقط جنین نامشروع را مشروط نموده‌اند به:

۱. توبه کردن زن زناکار
 ۲. متوجه شدن ضرر و زیان فاحش بر عدم سقط (رملی انصاری، ۱۳۸۶: ۴۶۱/۸)
- برخی از فقهای اهل سنت معتقدند با توجه آیه ۶۱ سوره مبارکه اسراء^۱ شرع اجازه نمی‌دهد که به واسطه‌ی گناه کسی حیات دیگری به خطر افتد و همچنین روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است، که زن باردار رجم نمی‌شود تا آن‌که وضع حمل کند، چه حمل او از زنا باشد یا غیرزنا، بنابراین جوازی برای این امر وجود ندارد (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۹/۴۴۴).
- فقهای اهل تسنن نیز در عدم جواز سقط جنین نامشروع به ادله‌ای رجوع نموده‌اند که اهم آن‌ها بدین شرح است: (زرگوش نسب؛ علی محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰)
۱. سقط جنین به قصد پنهان کردن عمل زنا و فحشا جایز نیست.
 ۲. حیات بی‌گناهی را قربانی شخص گناهکار نباید کرد.
 ۳. جایز بودن سقط جنین در شرایطی تنها اختصاص به جنین از نطفه مشروع دارد.
 ۴. رسوایی زناکار در میان مردم باعث می‌شود از تکرار زناکاری امتناع ورزد.

۲-۲ دیدگاه قانونگذار راجع به سقط جنین ناشی از زنا

در قوانین کیفری ایران، سقط جنین برای نجات مادر، با فرض این‌که جنین به چهار ماهگی نرسیده باشد، به اجماع نظر حقوقدانان، بلامانع است، لیکن در سقط جنین، بعد از چهار ماهگی، اختلاف نظر است و هر چند قانونگذار حتی در مورد جنین ناشی از زنا به عنف هم سقط جنین را مجاز نمی‌داند. برخی از حقوقدانان معتقدند در موارد زنا به عنف، زن باید بتواند به حکم قاعده لاجرح و لاضرر و عدالت کیفری، جنین ناخواسته را سقط کند

و اجازه سقط جنین ناشی از زنا یکی از مهم‌ترین حمایت‌های قانونی و اجتماعی از بزه‌دیده است (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

از سوی دیگر جرائم جنسی مطابق بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، از گروه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی، دانسته شده است اما یکی از حقوقدانان عقیده دارند هرگاه این‌گونه جرائم به عنف و اکراه ارتکاب یابند، هم جرمی علیه عفت عمومی محسوب می‌شوند و هم با عنایت به بی‌توجهی مرتکب نسبت به اختیار قربانی در مورد جسم و تن خود و با توجه به آثار سوء جسمانی و روانی و حیثیتی بارداری که ممکن است برای قربانی پیش آید، جرم علیه اشخاص نیز تلقی می‌گردند (آبروش، ۱۳۹۰: ۱۴۵ و ۱۴۶). این نکته قابل توجه است که در تجاوز جنسی و اقدام به سقط این زنان، بزه‌دیدگی و مجرمیت، هم زمان با هم به وقوع می‌پیوندد در حالی که اگر زن امید به حمایت قانون به عنوان یک بزه‌دیده می‌داشت قطعاً به مرحله بزهکاری و مجرمیت ناشی از سقط جنین نمی‌رسید شایان توجه است که در تجاوز به محارم اوضاع بسیار حادثر و شدیدتر خواهد بود. در هر حال شخص بزه‌دیده نیازمند حمایت از طرف جامعه و قانون است (همو: ۱۶۴ و ۱۶۵).

۳- ارکان جرم سقط جنین ناشی از زنا

ارکان جرم سقط جنین ناشی از زنا همانند سایر جرائم از سه عنصر تشکیل یافته است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱ عنصر قانونی

پیش‌تر بیان شد که سقط جنین ناشی از زنا توسط قانونگذار بصراحت پیش‌بینی نگردیده‌است لذا بررسی مواد قانونی در این مبحث از باب سقط جنین بصورت کلی و اجمالاً قابل تعمیم به سقط جنین ناشی از زنا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

قانونگذار، طی سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به تدوین مقرراتی در این زمینه دست یافت، که در دو بخش دیات و تعزیرات طبق مواد ۴۸۷ الی ۴۹۳ و مواد ۶۲۲ لغایت ۶۲۴ تنظیم شده است و در نهایت در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ طی مواد ۵۵۶، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۱ به مبحث سقط جنین پرداخته شد.

۲-۳ عنصر مادی

در جرم سقط جنین ناشی از زنا نیز همانند سقط جنین بطور اعم انجام هر نوع فعل مثبت مادی به روی زن حامله خواه از طریق مباشرت و خواه از طریق معاونت، برای واقع شدن جرم، کافی است و برای تحقق عنصر مادی آن دو شرط حامله بودن زن و اخراج جنین از بطن مادر بنحو غیر طبیعی لازم است (ولیدی، ۱۳۸۱: ۱۵۲/۲).

۳-۳ عنصر معنوی

برابر مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون تعزیرات سقط جنین در سه حالت عمد، شبه عمد و خطای محض دارای وصف مجرمانه دانسته شده است. به همین ترتیب سقط جنین ناشی از زنا نیز ممکن است به صورت عمدی یا غیر عمدی انجام شود. اگر در اسقاط جنین، مرتکب با علم به حامل بودن زن و به قصد سقط جنین اقدام نماید، دارای سوء نیت یا قصد مجرمانه بوده و اسقاط جنین عمدی است و اگر خطای جزایی ثابت شود و میان خطای مرتکب و صدمه وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد، سقط جنین غیر عمدی (شبه عمد یا خطایی) محسوب می‌گردد.

۴- مجازات سقط جنین ناشی از زنا

نظر به اهمیت حق حیات جنین، قانونگذار مجازات، قصاص، دیه و حبس، را برای مرتکبین این جرم پیش‌بینی نموده است که در این مبحث به مطالبی در این زمینه خواهیم پرداخت.

۴-۱ قصاص

حقوقدانان از ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی دو برداشت مختلف دارند. عده‌ای سقط جنین پس از ولوج روح را مستوجب قصاص دانسته و عده‌ای دیگر قصاص را در سقط جنین منتفی می‌دانند. قانونگذار اخراج روح از بدن به صورت عامدانه را قتل عمد دانسته و کشتن انسانی که دارای روح و نفس باشد مشمول این تعریف می‌گردد، چه آنکه در رحم یا خارج از آن واقع شده باشد. برخی از حقوقدانان جنایت بر حمل را در مرحله‌ای که دارای روح است همانند جنایت بر انسان دانسته و مرتکب را با رعایت شرایط، مستحق قصاص می‌دانند. اما به عدم پیش‌بینی مجازات قصاص در مورد سقط با استعمال ادویه و یا توسط پزشک و

ماما و جراح و همچنین مجازات حبس توأم با قصاص در ماده ۶۲۲ مذکور، اشاره‌ای نکرده‌اند (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۱/۴۱۸).

در مقابل عده‌ای دیگر از حقوقدانان معتقد بودند که سقط جنین پس از دمیده شدن روح مستوجب قصاص نیست. به اعتقاد یکی از حقوقدانان واژه قصاص در ماده ۶۲۲ ناظر به ضرب و جرحی است که ممکن است در حین سقط جنین به مادر وارد گردد. وی در اثبات ادعای خود دلایلی را بیان می‌نمود، از جمله اینکه در مواد مربوط به سقط جنین فقط در ماده ۶۲۲ مجازات قصاص تعیین شده و در سایر مواد مربوط به سقط عمدی (مواد ۶۲۳ و ۶۲۴) از قصاص ذکری به میان نیامده‌است (کوشا، ۱۳۸۹: ۵۰).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای رفع این ابهام در ماده ۳۰۶ آورده است: «جنایت عمدی بر جنین، هر چند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.» بنابراین این ماده فصل الخطابی بر اختلافات بوجود آمده از قانون سابق است.

همچنین در تبصره این ماده هم ذکر شده است که «اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.» از آنجا که اشاره به پس از تولد شده است می‌توان قصاص ذکر شده را مجازات ناشی از قتل انسان دانست چرا که جنین انسان پس از تولد دیگر جنین نامیده نمی‌شود.

۴-۲-۵

مطابق قانون، دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی و در موارد خطای محض بر عاقله اوست. هر چند در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در خصوص تعیین صاحبان حق قصاص و دیه در جرم سقط جنین (اعم از سقط جنین ناشی از حلال و ناشی از زنا) هیچ تصریحی وجود ندارد. تعیین اولیای دم به طور کلی تابع قواعد کلی راجع به ارث، در خصوص تشخیص وارث متوفی است و دیه جنین بایستی به پدر و مادر وی و

طبق قواعد تقسیم ترکه پرداخت گردد، مگر اینکه یکی از آنان به موجب قانون از دریافت دیه محروم باشد.

مطلب مهم اینجاست که به موجب ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.» از این رو اثبات نسب وی از این جهت که یکی از موجبات ارث است، نسبت به زانی مخدوش است. از طرف دیگر به موجب ماده ۸۸۴ قانون مدنی «ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد. لکن اگر حرمت رابطه‌ای که طفل ثمره آن است، نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری، به واسطه اکراه یا شبهه، زنا نباشد، طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.»

فرض توارث حمل، هنگامی مطرح می‌گردد که حمل زنده متولد شود. لکن در مورد جنین، بررسی قابلیت توارث به صورت بالقوه امکان‌پذیر است.

از مطالعه متون فقهی متوجه می‌شویم که فقها در بعضی جزئیات با یکدیگر اختلاف دارند. به عنوان نمونه علامه حلی در قواعد الاحکام (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۳۸۲) و ابن البراج (ابن براج، ۱۴۰۶: ۱۶۵) و ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۶) معتقدند که مادر از ولدالزنا ارث نمی‌برد. در مقابل فقهایی از قبیل ابن جنید (اشتهاردی، ۱۴۱۶: ۳۳۷) بر این عقیده‌اند که مادر از ولدالزنا ارث می‌برد. در هر حال قانون مدنی از نظر دسته اول تبعیت کرده است.

در ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز چنین مقرر گردیده است:

«اگر مقتول یا مجنی‌علیه یا ولی‌دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته‌باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او، مقام رهبری است و رییس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوطه تفویض می‌کند.»

همچنین به موجب ماده ۳۵۷ «اگر مرتکب یا شریک در جنایت عمدی، از ورثه باشد، ولی‌دم به شمار نمی‌آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی‌برد.» و به موجب ماده ۳۵۸ «اگر مجنی‌علیه یا ولی‌دم، صغیر یا مجنون باشد و ولی او، مرتکب جنایت عمدی شود یا شریک در آن باشد، در این مورد، ولایت ندارد.»

به نظر یکی از حقوقدانان در مواردی که سقط جنین نامشروع مستوجب اخذ دیه از جانی باشد لازم است دیه معینه به نفع بیت‌المال اخذ شود (رزمساز، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۸).

البته در این مورد فرض بحث در جایی است که والدین طفل هر دو زانی باشند والا اگر یکی از آن دو زانی بوده و از طرف دیگر وطی به شبهه یا به اکراه باشد، جنین ملحق به طرفی است که بغی نیست و حکم سایر مسلمین را دارد.

اما در فرض مسأله که طرفین هر دو زانی هستند، اولاً رابطه ولایت و وراثت بین والدین و جنین و طفل متولد از زنا قطع شده و ولی دم وی، حاکم شرع است و مقصود از حاکم شرع در این جا ولی امر مسلمین است که این حق به قوه قضاییه تفویض گردیده است (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۹: ۲۱۸/۸). در مورد طفل متولد از زنا چنانچه به حسب مورد، قصاص یا دیه به او تعلق بگیرد، نظرات برخی از فقها بدین ترتیب است:

۱. آیت آ... محمد تقی بهجت: «احتیاطاً وراثت و حاکم مصالحه کنند.» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۴: ۸۵)

۲. آیت آ... میرزا جواد تبریزی: «در صورتی که پدر و مادر طفل، هر دو مرتکب زنا شده‌اند، ولی دم طفل مزبور حاکم شرع است.» (همو: همان جا)

۳. آیت آ... محمد فاضل لنکرانی: «حاکم شرع ولی اوست اگر هر دو طرف زانی باشند، و الا فرد غیر زانی یا وابستگان او» (همو: همان جا)

۴. آیت آ... حسن نوری همدانی: «حاکم شرع است.» (همان جا)

۵. آیت آ... صانعی: «دیه آن بنا بر احتیاط لازم، به مقدار دیه حلال زاده است» و «باید به بیت المال مسلمین داد تا صرف مصالح مسلمین گردد.» همچنین ایشان در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه در صورتی که ساقط کردن جنین نامشروع دیه نداشته باشد، آیا حاکم شرع می‌تواند مباشر سقط را تعزیر کند می‌فرمایند «آری، می‌تواند و بچه سقط شده دیه دارد و دیه آن بنا بر احتیاط لازم به مقدار دیه حلال زاده است.» (صانعی، ۱۳۹۰: ۳۳۸ و ۳۳۹)

در ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است «اگر مقتول یا مجنی‌علیه یا ولی‌دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته‌باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی

نباشد، ولی او، مقام رهبری است و رییس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند.»

در خصوص مقدار دیه جنین متولد از زنا نظرات فقها مختلف است و در مورد طفل متولد از زنا که والدین طبیعی او مسلمان می‌باشند، و یا به تبعیت از پدر یا مادر تکوینی حکم مسلمان را دارد یا نه، نظرات برخی از فقها بدین شرح است:

۱. آیت آ... محمد تقی بهجت: «مسلمان است.» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۴: ۸۶)

۲. آیت آ... میرزا جواد تبریزی: چنانچه والدین او یا یکی از آنان مسلمان باشند، طفل مزبور محکوم به اسلام است، دیه او دیه نفس کامله است و چنانچه پدر و مادر طفل هر دو مرتکب زنا شده‌اند، باید دیه او به حاکم شرع داده شود تا حاکم شرع آن را صرف نماید.» (همو: همانجا)

۳. آیت آ... محمد فاضل لنکرانی: بلی، محکوم به اسلام است و دیه انسان کامل بعد از تولد را دارد و به ورثه او می‌رسد اگر یکی از والدین او غیر زانی باشد و الا به حاکم شرع می‌رسد. (همو: همانجا)

۴. محقق حلی: «دیه ولد الزنا، هرگاه ظاهر کند اسلام را دیه مسلمان است.» (محقق حلی، ۱۳۶۸: ۱۹۷۳)

۴-۳ تعزیر

در ماده ۶۲۲ هرکس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود حسب مورد ممکن است به حبس از یک تا سه سال محکوم شود. همچنین مطابق ماده ۶۲۳ «هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگر موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگر نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر این که ثابت شود، این اقدام برای حفظ حیات مادر است.» نکته قابل ذکر در این ماده، قسمت اخیر آن است؛ با توجه به این استثناء اگر بتوان ثابت کرد که ادامه بارداری برای جان مادر خطرناک و مرگ‌آور است، مرتکب سقط جنین

(پزشک معالج) از مجازات حبس ذکر شده در ماده قانونی مذکور براساس استثنای ذکر شده همین ماده معاف می‌شود (زرگوش نسب، علی محمدی، پیشین: ۱۷-۱).

همچنین ماده ۶۲۴ مجازات حبس را به عنوان یکی دیگر از کیفرهای جرم سقط جنین برای طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، در نظر گرفته است. البته در احراز تحقق این بزه لازم است بین دلالت زن حامله و تهیه دارو یا وسایل دیگر با سقط جنین رابطه علیت برقرار باشد و چنانچه از این رهگذر عامل یا اقدام دیگر مؤثر باشد به طوری که در قابلیت انتساب سقط به راهنمایی پزشک یا داروی معینی تردید حاصل شود پزشک جزائاً مسؤول نیست و جواب‌گوی پرداخت دیه نیز نخواهد بود (دیوسالار، ۱۳۸۱: ۵۴).

۵- شروع به جرم سقط جنین ناشی از زنا

برابر مفاد ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ «هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌باشد.»

ملاحظه می‌شود برای قابل تعقیب شناخته شدن شخص طبق مفاد این ماده ورود وی در عملیات اجرایی جرم به عنوان شرط اول و جرم بودن اقدامات انجام گرفته به عنوان دومین شرط مدنظر قانونگذار قرار گرفته است. در هر صورت علی رغم حذف مفاهیم قسمت‌هایی از ماده ۱۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۶۱ و ماده ۱۸ همان قانون در بازنویسی مبحث مربوط به شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰، با توجه به تاکید قانونگذار بر لزوم جرم بودن اقدامات انجام گرفته و با عنایت به مفاد ماده ۲ همین قانون شمول قواعد مربوط به شروع به جرم نسبت به عمل متهم مستلزم وجود نص قانونی در هر مورد خاص بود، خواه نصوص مربوطه به صورت کلی شروع به جرمی را قابل تعقیب بدانند و خواه اینکه قانونگذار ضمن بیان مقررات جداگانه‌ای عملیات اجرایی که مرتکب به آن دست یازیده مجازاتی تعیین کرده‌باشد. بدیهی است در حالت دوم با توجه به صدر ماده ۴۱

قانون مجازات اسلامی سابق و مفاد تبصره ۱ آن قابل تعقیب بودن شروع به عملیات مزبور خواهد بود.

آنچه مسلم است در کلیه این موارد برای حصول سقط جنین، در صورتی که عملیات ارتكابی توسط جانی اعم از زن حامله، پزشک یا قابله و اشخاص عادی دیگر منتهی به از بین رفتن جنین نمی‌گشت، مسؤولیت کیفری تابع چنین قاعده‌ای بود. بر این اساس در صورتی که پزشکی عالما و عامداً بر بالین زن حامله‌ای به منظور طی مسیر مجرمانه منتهی به سقط جنین، حاضر می‌شد و در حالی که وسایل مربوطه را علی‌رغم عدم تمایل قلبی زن نسبت به این عمل آماده کرده‌بود، توسط مأمورین دستگیر می‌شد و یا در اثر قطع برق موفق به ارتكاب جرم تام نمی‌گشت؛ تنها در صورتی قابل تعقیب بود که در اثر این گونه عملیات مقدماتی صدماتی به زن وارد می‌شد که مستلزم پرداخت دیه بود و اگر برای اقدامات انجام شده مجازات دیگری مقرر نشده‌بود، از همان حیث قابل تعقیب نبود. باید توجه داشت در صورتی که به هر علت از قبیل حامله نبودن زن، مرده بودن جنین در رحم مادر، بی‌اثر بودن داروهای تجویز شده، زنده ماندن حمل پس از وضع حمل قبل از موعد حصول نتیجه ممکن نمی‌گشت و در عین حال اعمال انجام یافته نوعاً با ارتكاب سقط جنین ارتباط می‌داشت، اعمال مرتکب در چنین حالاتی در صورتی که مستقلاً دارای وجهه جزایی نبود، قابل تعقیب هم نبود.

ضمن بررسی قوانین جزایی کشورمان در خصوص سقط جنین درمی‌یابیم که حصول نتیجه مجرمانه و از بین رفتن جنین در حالات مختلف مورد حمایت قانونگذار شرط اساسی برای قابل تعقیب بودن آن به شمار می‌رود و لذا سقط جنین در زمره جرائم مقید محسوب خواهد شد. (همو: ۱۱۶-۱۱۹)

در قانون مجازات جدید نیز همچون قوانین گذشته در مواد قانونی مربوط به سقط جنین شروع به جرم پیش بینی نشده است لذا به نظر برخی حقوقدانان، قانونگذار همچنان تمایل به جرم انگاری شدیدتر در این زمینه نداشته است. لیکن در تفسیری که دکترین از ماده ۱۲۲ قانون مجازات جدید ارائه می‌دهد، شروع به جرم را در سطحی گسترده و بی‌سابقه در اکثریت جرائم اعم از جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم،

... مفروض دانسته است. چراکه در ماده ۴۱ قانون مجازات مصوب ۷۰ اقدامات انجام گرفته را در صورتی به عنوان شروع به جرم، قابل مجازات می‌دانست که خود آن اقدامات جرم می‌بودند حال آن که در ماده ۱۲۲ جدید با حذف عبارت «چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد» در واقع این ذهنیت را ایجاد می‌کند که شروع به جرم در هر حال جرم است. با پذیرش این نظریه در عمل با سطحی بی‌سابقه از جرم انگاری روبه رو می‌شویم که یافتن توجیه قانع کننده برای آن‌ها دشوار است. در اینجا نیز براساس ظاهر ماده ۱۲۲ چنین استدلال می‌شود که مطابق قانون مجازات جدید شروع به جرم سقط جنین جرم انگاری شده است.

در ماده ۱۲۲ چنین آمده است «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

تبصره- هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آن‌ها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.»

مطابق ماده ۱۹ که مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود، حبس بیش از دو تا پنج سال درجه ۵ می‌باشد و همچنین طبق ماده ۶۲۴ کتاب پنجم «اگر طیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از

دو تا پنج سال محکوم خواهند شد...» بنابراین مرتکبان این جرم مشمول مجازات بند پ ماده ۱۲۲ یعنی «حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش» خواهند گردید. همچنین در ماده ۶۲۲ «هرکس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود... حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.» آمده است و از آنجا که مطابق تبصره دو ماده ۱۹ «مجازات‌هایی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.» در نتیجه ماده ۶۲۲ نیز مشمول درجه ۵ و بند پ ماده ۱۲۲ یعنی مجازات شروع به جرم «حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش» خواهند شد.

۶- تخفیف مجازات

مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی در مورد تخفیف مجازات جرائم که در مواد ۳۷ و ۳۸ این قانون آمده است جرم سقط جنین از حیث مجازات حبس تعزیری مشمول بند الف ماده ۳۷ می‌گردد و در صورت وجود جهات تخفیف و سایر موارد مذکور در ماده به مدت ۱ تا ۳ درجه قابل تخفیف می‌باشد که در حوزه اختیارات قاضی دادگاه است. همچنین در مورد مجازات ۳ تا ۶ ماه حبس ماده ۶۲۳ که درجه ۷ است بر اساس ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی در صورت احراز شرایط این ماده می‌تواند منجر به معافیت از کیفر نیز گردد.

۷- مرور زمان مجازات

جرم سقط جنین از حیث مجازات دیه و قصاص با شرایط مذکور، مشمول مرور زمان نمی‌شود زیرا فقط جرائم تعزیری مشمول این تأسیس قانونی می‌باشند در مجازات تعزیری سقط جنین که در مواد ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴ و ۷۱۵ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی آمده است بدین شرح مشمول مرور زمان می‌گردند:

۱. مواد ۶۲۲ و ۶۲۴: مجازات حبس به میزان ۱ تا ۳ سال مذکور در ماده ۶۲۲ و ۲ تا ۵ سال مذکور در ماده ۶۲۴ که درجه ۵ محسوب می‌شوند، ۱۰ سال پس از قطعیت حکم مشمول مرور زمان و اجرا می‌شود و تعقیب آن نیز پس از گذشت ۷ سال از تاریخ وقوع جرم موقوف می‌گردد. همچنین در مورد مرور زمان رسیدگی نیز باید گفت از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا ۷ سال اگر موضوع مدعی به صدور حکم قطعی نگردد رسیدگی

متوقف می‌شود، قابل ذکر است در مورد ماده ۶۲۲ که از جمله جرائم قابل گذشت می‌باشد از تاریخ اطلاع از وقوع جرم به مدت ۱ سال این جرم دارای مرور زمان شکایت نیز می‌باشد.

۲. مواد ۶۲۳ و ۷۱۵: مجازات حبس به میزان ۶ ماه تا ۱ سال محکوم به قسمت اول ماده ۶۲۳ و مجازات ۲ ماه تا یک سال حبس محکوم در ماده ۷۱۵ کتاب تعزیرات که مشمول درجه ۶ می‌باشد به ترتیب دارای مرور زمان اجرا به مدت ۷ سال از طریق قطعیت حکم، مرور زمان تعقیب به مدت ۵ سال از تاریخ وقوع جرم و مرور زمان رسیدگی به مدت ۵ سال از تاریخ آخرین اقدام تحقیقی و تعقیبی می‌باشد.

۳. قسمت دوم ماده ۶۲۳: مجازات حبس به میزان ۳ تا ۶ ماه مذکور در این ماده که مشمول درجه ۷ می‌باشد به ترتیب دارای مرور زمان اجرا به مدت ۵ سال از تاریخ قطعیت حکم، مرور زمان تعقیب به مدت ۳ سال از تاریخ وقوع جرم و مرور زمان رسیدگی به مدت ۳ سال از تاریخ آخرین اقدام تحقیقی و تعقیبی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

فساد در جامعه باعث بوجود آمدن نوزادان نامشروع خواهد شد و به دنبال آن برای جلوگیری از به دنیا آمدن آن‌ها آمار سقط جنین افزایش خواهد یافت. اکثر کشورها، جنین را بعد از مدت معین از بارداری، انسان تلقی کرده و وی را دارای حق حیات دانسته و تحت شرایط خاصی سقط را مجاز می‌دانند و تقریباً در هیچ کشوری، حتی کشورهای پیشرفته و کشورهایی که سطح آزادی بالایی در سقط جنین دارند، سقط به طور مطلق مجاز اعلام نشده است. در ایران نیز به جز گروه‌های افراطی طرفدار حقوق زن که مطلقاً سقط جنین را با دلیل موجه یا بدون آن جایز می‌دانند، در سایر موارد بین فقها و حقوقدانان در مورد جرم دانستن آن اختلاف زیادی وجود ندارد. با توجه به آیات و روایات می‌توان نتیجه گرفت که بین جنین با انسان تفاوت‌هایی وجود دارد؛ ولی با استفاده از عمومات ادله‌ی حرمت مثل احتیاط در دما و برخی روایات، سقط جنین، حرام است. لذا در قوانین ما نیز همه اشکال سقط جنین از جمله سقط ناشی از زنا جرم دانسته شده است و البته قانونگذار بین سقط جنین متولد از نکاح صحیح و جنین ناشی از زنا تفاوتی قائل نشده است. مجازات‌های در نظر گرفته شده توسط قانونگذار برای این جرم شامل دبه و تعزیر می‌باشد. هرچند در زمینه

قصاص نیز بین فقها اختلاف است، برخی قائل به قصاص و برخی نیز معتقد به عدم قصاص‌اند و تعدادی نیز بین اینکه جنین مرده سقط شود یا زنده تفاوت قائل‌اند و در حالت دوم در صورتی که مرگ مستند به جنایت باشد، قائل به قصاص‌اند که از تبصره م ۳۰۶ نیز ظاهراً چنین استنتاج می‌شود. اما آنچه که بدیهی به نظر می‌رسد خلاء قانونگذاری در زمینه سقط جنین ناشی از زنا در کشور ماست که از سقط جنین به صورتی کلی بحث نموده و با توجه به اطلاق مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ ق.م.آ و نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه تفاوتی بین جنین مشروع و نامشروع قائل نشده است، حال آنکه قانون باید حامی اقشار آسیب پذیر باشد. در جامعه ایران اعمال زنان و دختران جوان کم سن و سال فریب خورده و یا تجاوز و زنا با محارم و ارتباط نامشروع که زنان ایرانی در معرض آن قرار می‌گیرند، به قدری نكوهیده و زشت است که از ترس آبرو همگان به توافقی برای پنهان کردن این موضوع رسیده‌اند که نگران کننده است و نیازمند قانونگذاری صحیح مقنن برای جلوگیری از عواقب آن می‌باشد. از دیگر سو در هیچ کجا سند کاملاً مستدل و یقینی برای تجویز قطعی سقط جنین ناشی از زنا حتی از نوع تراضی آن وجود ندارد و باید گفت با توجه به فقه پویای اسلام و نظرات مثبت فقهای شیعه در این خصوص، منع شرعی جدی در جهت انعطاف در قانونگذاری برای جلوگیری از پیامدهای زیانبار پدیده‌ی سقط جنین ناشی از زنا، وجود ندارد.

کتابنامه:

الف) کتب

۱. ابن قدامه، عبد الرحمن (۱۴۰۳)، **المغنی و الشرح الكبير**، جلد نهم، بیروت: دار الکتب العربی
۲. احمدصدر، حاج سید جوادی؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ فانی، کامران (۱۳۸۳)، **دائرةالمعارف تشیع**، جلد پنجم، تهران: نشر شهید محبی، چاپ سوم.
۳. اشتهاردی، شیخ علی پناه (۱۴۱۶)، **مجموعه فتاوی ابن جنید**، چاپ اول، قم: انتشارات نشر اسلامی.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، جلد دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۵. حسینی خامنه‌ای، علی (۱۳۸۰)، **رساله اجوبه الاستفتائات**، احمدرضا حسینی، تهران: انتشارات بین المللی هدی، چاپ اول.
۶. حکمت، سعید (۱۳۶۶)، **پزشکی قانونی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷. حلی، محمدبن ادریس (۱۴۱۱)، **السرائر**، جلد اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۹. رزم‌ساز، بابک (۱۳۷۹)، **بررسی فقهی - حقوقی سقط جنین**، چاپ اول، تهران: انتشارات خط سوم.
۱۰. رملی انصاری، شمس الدین محمدبن ابی عباس (۱۳۸۶)، **نهایه المنهاج**، جلد هشتم، قاهره: مطبعه مصطفى الحلبي.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۸)، **حقوق کیفری اختصاصی**، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۲. صانعی، یوسف (۱۳۹۰)، **استفتائات قضایی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پرتو خورشید.
۱۳. عباسی، محمود (۱۳۸۸)، **حقوق جزای پزشکی**، چاپ اول، تهران: انتشارات حقوقی.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۹)، **قواعد الاحکام**، جلد سوم، چاپ اول، قم: انتشارات نشر اسلامی.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۸۸)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷)، **جامع المسائل**، چاپ پنجم، قم: انتشارات مهر.
۱۷. کوشا، جعفر (۱۳۸۹)، **حقوق جزای اختصاصی**، انتشارات معاونت آموزش قوه قضاییه، دوره ۶۲ کارآموزان قضایی، تهران.
۱۸. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹)، **حقوق جزای اختصاصی**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
۱۹. محقق حلی (۱۳۶۸)، **شرایع الاسلام**، ترجمه‌ی ابوالقاسم ابن احمد یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۰. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۹)، مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، جلد هشتم، چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.
۲۱. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۱)، حقوق جزای اختصاصی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سپهر.

ب) مقالات و پایان نامه

۱. آبروش، هیرو (۱۳۹۰)، سقط جنین در بارداری ناشی از جرائم جنسی در پرتو قانون سقط درمانی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال پنجم، ۱۷: ۱۷۲-۱۴۳.
۲. آقایی، سیدمجتبی (۱۳۸۱)، سقط جنین در دین زرتشت، ضمیمه فصلنامه باروری و ناباروری، چکیده مقالات سمینار ابعاد سقط جنین در ایران، پژوهشکده ابن سینا.
۳. حسین پور ساروکلایی، مریم (۱۳۹۳)، سقط جنین از نظر جامعه شناسی جنایی، پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی پردیس واحد شهر قدس.
۴. حسینی، سیده‌ادی (۱۳۸۴)، آزادی‌های فردی و بررسی تطبیقی حق سقط جنین در استرالیا و ایران، مجله حقوق اساسی، ۵: ۱۰۰-۸۱.
۵. دیوسالار، نادر (۱۳۸۱)، سقط جنین، مجله علمی پزشکی قانونی، ۲۶: ۵۶-۵۳.
۶. سلیمانی، حسین (۱۳۸۱)، سقط جنین در مسیحیت، ضمیمه فصلنامه باروری و ناباروری، چکیده مقالات سمینار ابعاد سقط جنین در ایران، پژوهشکده ابن سینا.
۷. عباسی، محمود؛ احمدی، احمد؛ فکور، حسن (۱۳۹۱)، مبانی سقط درمانی و بررسی آن از منظر حقوق جزای پزشکی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، ۲۰: ۱۴۰-۱۱۵.
۸. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه (۱۳۸۴)، مجموعه آرای فقهی - قضایی، مجله دادرسی، شماره ۵۱.